



A Comparative Study of the Ideas of Commentators in the Exegesis of "This is My Lord" in the 76th to the 79th Verse of Surah al-An'ām Relying on the Relationship of the Verses

Mohammad Hossayn Boroumand* | Amir Joudavi** | Sāmiyeh Shahbāzi***

Received: 2020/11/10 | Accepted: 2021/3/11

Abstract

In the exegesis of the phrase "This is my Lord" in the 76th to the 79th of Surah al-An'am, many commentators do not permit a verbatim interpretation of the verse and they think Prophet Ibrāhīm as a divine prophet is immune from having worshipped anyone other than God. On the other hand, some commentators perceive a word for word meaning of this verse but they relate it to the childhood period of his highness and a result, regard him to be purified from Sherk (polytheism). Other commentators who do not accept this belief have presented various exegeses for the explanation of these verses that can be reviewed within 8 categories: For instance, the first group recognize these verses as a sort of pleading by Prophet Ibrāhīm (PBUH) for the guidance of his tribe, the second one regard him at the beginning of his puberty in the course of reasoning to find his God; and the third to the eighth groups have mentioned some other reasons. The difference between the ideas of commentators, even contemporary ones, shows the necessity of this analysis. This research first extracts and classifies the presented views regarding these verses and then by the analysis of the arguments for each of them and the relationship of the verses, displays that the first group is closer to the truth and more defensible. Besides, the effect of surveying the relationship of the verses on the recognition of the appropriate view in the comparative exegesis is studied in this article.

Keywords: Surah al-An'ām, "He Said: This Is My Lord" (al-An'ām: 76), Prophet Ibrāhīm (PBUH), Difficult Verses of the Qur'an, Tawhid (Monotheism), Infallibility of the Prophets.



* Associate Professor at the Department of the Qur'an's Sciences and Hadith, Yazd University, Iran (Corresponding Author) | m.h.baroumand@yazd.ac.ir

** Associate Professor at the Department of the Qur'an's Sciences and Hadith, Yazd University, Iran | amirjoudavi@yazd.ac.ir

*** Ph.D. Student in Comparative Exegesis, Yazd University, Iran | samiye.shahbazi@stu.yazd.ac.ir

■ Boroumand, M.H; Joudavi, A; Shahbāzi, S. (2021) A Comparative Study of the Ideas of Commentators in the Exegesis of "This is My Lord" in the 76th to the 79th Verse of Surah al-An'ām Relying on the Relationship of the Verses. *Biannual Journal of Comparative Exegetical Researches*, 7 (13) 267-293. Doi: 10.22091/PTT.2021.5306.1736





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هَذَا رَبِّي» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام با تکیه بر ارتباط آیات

محمدحسین برومند* | امیر جودوی** | سامیه شهبازی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۲۰ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

چکیده

در تفسیر عبارت «هَذَا رَبِّي» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام، اغلب مفسران حمل آن بر معنای ظاهری آیه را مجاز ندانسته و حضرت ابراهیم (ع) را به عنوان پیامبر الهی، منزّه از آن می‌دانند که غیر خدا را پرستیده باشد. اما برخی مفسران، بیان این کلمات را به همان معنای ظاهر از حضرت دانسته، ولی آن را به دوران طفولیت ارجاع می‌دهند و در نتیجه ایشان را منزّه از شرک می‌دانند. مفسران مخالف این نظر، تفاسیر متعددی در توضیح این آیات آورده‌اند که در هشت دسته قابل بررسی است: دسته اول، این آیات را به نوعی محاجه از طرف حضرت ابراهیم (ع) برای هدایت قومشان می‌دانند؛ دسته دوم حضرت ابراهیم (ع) را در ابتدای بلوغ و در حال استدلال برای یافتن خدایش می‌دانند؛ و دسته‌های سوم تا هشتم نیز به ذکر دلایلی دیگر پرداخته‌اند. اختلاف آراء مفسران و حتی مفسران معاصر، ضرورت این بررسی را نشان می‌دهد. این پژوهش ابتدا به استخراج و دسته‌بندی آراء موجود درباره این آیه پرداخته، سپس با ارزیابی دلایل هر رأی و بررسی ارتباط آیات، نشان می‌دهد رأی دسته اول به حقیقت نزدیک‌تر است و قابلیت دفاع یش تری دارد. در این مقاله هم‌چنین به تأثیر بررسی ارتباط آیات در تشخیص رأی صحیح در تفسیر تطبیقی، توجه شده است.



کلیدواژگان: سوره انعام، «قَالَ هَذَا رَبِّي» (انعام: ۷۶)، حضرت ابراهیم (ع)، آیات مشکله قرآن، توحید، عصمت انبیا.

* دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، ایران (نویسنده مسئول) | m.h.baroomand@yazd.ac.ir

** دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، ایران | amirjoudavi@yazd.ac.ir

*** دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه یزد، ایران | samiye.shahbazi@stu.yazd.ac.ir

طرح مساله

در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام، کلماتی از زبان حضرت ابراهیم (ع) بیان می‌شود که در معنای ظاهری، بر ستاره پرستی، ماه پرستی و خورشید پرستی ایشان حمل شده است (یزیدی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۳۸؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۳۲۹؛ میدی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۴۰۰):

* فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ * فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ * فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ * إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ * (انعام: ۷۶-۷۹)

برخی مفسران با مبرا دانستن ایشان از پرستش غیر خدا، بیان این آیات از طرف حضرت ابراهیم (ع) را مربوط به دوران پیش از بلوغ دانسته (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۵۲؛ ابومسلم اصفهانی، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص ۲۱۵) و برخی آن را به عنوان یک احتمال در کنار دیگر احتمالات آورده‌اند (ابن عادل، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ جمل، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳). سایر مفسرانی که بیان این کلمات را مربوط به بعد از بلوغ می‌دانند، در تفسیر این موضوع آراء متفاوتی مطرح می‌کنند. از آن جا که آرا و دلایل مطرح شده در تفسیر این آیه اختلاف داشته و حتی مفسران معاصر نیز در تفسیر این آیه به رأی یکسانی نرسیده‌اند، ضرورت انجام دادن تحقیقی که همه آرا و دلایل مفسران را ارزیابی نماید مشهود است.

پیشینه آراء مفسران در تفسیر آیات ۷۶ تا ۷۹، در ضمن بررسی این آرا در متن مقاله مطرح شده است. غیر از متن کتب تفسیری، تحقیقی مستقل درباره این آیات انجام نشده است. در خصوص سابقه بررسی ارتباط آیات نیز این موضوع از دیرباز کانون توجه مفسران بوده و کتاب‌های زیادی در دفاع از وجود ارتباط میان آیات یک سوره نوشته‌اند؛ از جمله: سید قطب در فی ظلال القرآن، سعید حوی در الاساس فی التفسیر، عبدالهادی فقهی زاده در پژوهشی در نظم قرآن، عباس همایی در چهره زیبای قرآن، و عبدالعلی بازرگان در نظم قرآن. اما به این موضوع که چگونه می‌توان از ارتباط میان آیات در بررسی تطبیقی آراء مفسران کمک گرفت، کم‌تر پرداخته‌اند. این مقاله، ضمن بررسی تطبیقی آراء مفسران در این

آیات، به نقش بررسی ارتباط میان آیات در تفسیر تطبیقی نیز خواهد پرداخت تا به این سوالات پاسخ گوید:

۱. چه آرای در تفسیر آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام ابراز شده و دلایل مفسران در هر یک از دسته‌های آرا چیست؟

۲. از میان آراء موجود و دلایل مطرح شده برای آن‌ها، کدام دسته را می‌توان پذیرفت؟

۳. بررسی ارتباط میان آیات چه کمکی به تفسیر این آیه خواهد کرد؟

این پژوهش با بررسی دلایل مطرح شده و رد آراء غیر قابل قبول و هم‌چنین با تکیه بر ارتباط آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام با سایر آیات سوره، نشان خواهد داد حضرت ابراهیم (ع) بر وجه محاجه با قوم خود به پرستش اجرام آسمانی پرداخته است و بررسی ارتباط میان آیات سوره، در تشخیص رأی قابل قبول به کمک مفسر می‌آید.

گونه‌شناسی و بررسی آراء مفسران

آراء مفسران درباره عبارت «هَذَا رَبِّي» که از زبان حضرت ابراهیم (ع) آورده شده است، به دو گروه کلی تقسیم می‌شود:

گروه اول که معتقدند این سخنان مربوط به قبل از بلوغ و تکلیف حضرت ابراهیم (ع) بوده، لذا با مقام نبوت ایشان منافاتی ندارد (شوکانی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۵۲؛ ابومسلم اصفهانی، ۲۰۰۹م، ج ۳، ص ۲۱۵). علامه در این زمینه آورده است که این معنا به مقام نبوت ابراهیم (ع) ضرری نمی‌زند؛ چون از آیات مورد بحث چنین استفاده می‌شود که این داستان مربوط به سرگذشت دوران کودکی ایشان است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۷، ص ۱۷۵)

گروه دوم از مفسران، این وجه را ضعیف دانسته، معتقدند این کلمات مربوط به دوران پس از بلوغ حضرت است. فضل‌الله در من وحی القرآن، ضمن آن که به کار بردن برخی کلمات و عبارات آورده شده در این آیات از طرف یک طفل را ممکن نمی‌داند، توجه مفسران را به این نکته جلب می‌کند که چگونه یک طفل می‌تواند برای هدایت خود این چنین به خدایش توسل جوید و در جست‌وجوی حق بگوید: *لَئِنْ لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ* (انعام: ۷۷) (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۱۸۳). هم‌چنین خازن در لباب التأویل فی معانی التنزیل آورده است که این قول نمی‌تواند صحیح باشد؛ چرا که پیامبران الهی در

همه حال معصوم هستند و این ممکن نیست که پیامبر خدا گاهی موحد و عارف بالله باشد و گاه نباشد و این رأی با عصمت پیامبران الهی جمع نمی‌شود (خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۲۸). این گروه، وجوهی دیگر را در تفسیر این آیات در نظر گرفته‌اند که در هشت دسته تقسیم‌بندی و بررسی می‌شوند.

دسته اول: وانمود کردن به پرستش اجرام برای محاجه با قوم

این دسته از مفسران، بر این اعتقادند که اگر حضرت ابراهیم(ع) در ابتدا ستاره و ماه و خورشید را رب خود نامیده، تنها از باب محاجه به زبان خصم است. به این ترتیب که ابتدا با آن‌ها به پرستش خدایانشان می‌نشیند و پس از افول هر کدام می‌گوید: "افول کنندگان را دوست ندارم" و برایشان استدلال می‌کند که چگونه چیزی که همیشه همراه ما نیست می‌تواند تدبیرگر امور ما باشد. (تستری، ۱۴۲۳ق، ص ۶۲؛ ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج ۴، ص ۱۳۵-۱۴۴؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۰؛ نیشابوری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۹۹؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۶۰؛ ابوحیان، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۷۰۶؛ طوفی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۵۲؛ خفاجی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۳۵؛ حقی‌برسوی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۶)^۱

دلیل اول: زحیلی در التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، با اشاره به مناظرات متعددی که حضرت ابراهیم(ع) با پدرش (مریم: ۴۲)، پادشاه زمانش (بقره: ۲۵۸) و بت پرستان (انبیاء: ۵۸) داشته، ایشان را در مناظره و استدلال، قوی دانسته، آن را دلیل بر این نحوه از محاجه در برابر قومش می‌داند. (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۲۶۵)

دلیل دوم: فخر رازی در تأیید این وجه، به برخی از آیات دیگر سوره انعام از جمله آیه *وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَرَأَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ* (انعام: ۷۴) استناد می‌کند و معتقد است حضرت ابراهیم(ع) پیش از این کلام، خدای خود را شناخته بوده است.

دلیل سوم: برخی دیگر از مفسران (قرشی بنابی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ص ۲۵۱-۲۵۳؛ طیب، ۱۳۶۹ش، ج ۵، ص ۱۲۰؛ جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۳، ص ۴۶۲-۴۶۳) در تأیید این رأی، به آیه

^۱ در انجام این پژوهش آراء حدود ۲۵۰ تفسیر نرم افزار جامع التفاسیر مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است که به دلیل محدودیت حجمی، اسامی بسیاری از مفسرانی که آراء مشابه داشته‌اند از قسمتهای مختلف این مقاله حذف شده است.

وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ (انعام: ۷۵) استناد کرده، معتقدند: چون این آیه مقدم بر مناظرات است و آیه ۷۶ با فاء تفریع شروع می شود، بنابراین نشان می دهد ایشان پیش از محاجه، به یقین رسیده بوده و تنها وانمود کرده که اجرام را می پرستند.

دلیل چهارم: دلیل دیگر مفسران (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۳۸؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۰۷؛ اشکوری، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۷۸۳-۷۸۴) آیه *وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ* (انعام: ۸۳) است که معتقدند نشان می دهد حضرت ابراهیم (ع) در حال محاجه با قوم خود بوده است. هم چنین فخر رازی و نظام الاعرج، آیات *إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ* (انعام: ۷۸) و *وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ* (انعام: ۸۰) را نیز شاهد بر این رأی گرفته اند.

در زمینه یکتاپرست بودن حضرت ابراهیم (ع)، برخی مفسران به آیاتی دیگر از جمله *وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ* (انبیاء: ۵۱)، *وَإِن مِّن شَيْعَةٍ لِإِبْرَاهِيمَ* (انعام: ۸۳-۸۵) و *اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ* اشاره می کنند. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۳۸؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۱۰۷)

ابن عادل در ادامه همین بحث، علت این نوع محاجه از طرف حضرت ابراهیم (ع) را معمول بودن علم ستاره شناسی در آن دوران دانسته است که این موضوع از آیات *فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ* (فقال إِنِّي سَقِيمٌ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ* (صافات: ۸۸-۹۰) دریافت می شود.

دلیل پنجم: برخی مفسران (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۷، ص ۲۱۰؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۳۱؛ شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۳۱۵) در تأیید این رأی، به این حدیث استناد کرده اند:

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ فِيمَا أَخْبَرَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هَذَا رَبِّي، قَالَ: لَمْ يَتْلُغْ بِهِ شَيْئًا، أَرَادَ غَيْرَ الَّذِي قَالَ». (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۳۱)

دلیل ششم: دلیل دیگر مفسران این دسته (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۶۰؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۷، ص ۲۶۴)، فطری بودن هدایت است که از حدیث نبوی «کل مولود یولد علی الفطره» و آیه *فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ* (روم: ۳۰) برداشت شده و با استناد به آن‌ها، معتقدند که حضرت ابراهیم(ع) از ابتدا بر دین حنیف بوده و این کلمات را صرفاً از باب موافقت با قوم بر زبان آورده است.

دلیل هفتم: *المیزان* در تأیید این رأی، به آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مریم^۱ استناد کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۷، ص ۱۷۷). به اعتقاد علامه، پیش از آن که ابراهیم(ع) نزد قوم رود، آزر را به یکتاپرستی دعوت کرده است.

دسته دوم: حضرت ابراهیم(ع) در حال استدلال برای یافتن خدا

این دسته از مفسران، معتقدند که حضرت ابراهیم(ع) در ابتدای بلوغ و بر وجه نظر و استدلال، به دنبال خدای خویش بوده است. بر اساس داستان‌های روایت شده درباره تولد ایشان که در آن زمان نمرود فرزندان پسر را می‌کشت، مادر حضرت ابراهیم(ع) ایشان را در غاری پنهان کرد تا بزرگ شود. مفسران معتقدند با خارج شدن ابراهیم از غار و دیدن ستاره و ماه و خورشید، این استدلال‌ها در ذهن حضرت شکل گرفته است. (جرجانی، ۱۳۷۸ق، ج ۳، ص ۸۱ تا ۸۲؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م، ج ۳، ص ۱۵۳؛ ابوزهره، بی‌تا: ج ۵، ص ۲۵۶۲؛ شعرانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۴۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۳۱۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ دخیل، ۱۴۲۲ق، ج ۱۷۹؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۵۷۲؛ علم‌الهدی، ۱۴۳۱ق، ج ۲۶۸)

نمونه در توضیح این رأی آورده است:

«بنابراین هنگامی که ابراهیم می‌گوید: "هذا ربی (این خدای من است)"، به عنوان یک خبر قطعی نیست، بلکه به عنوان یک فرض و احتمال، برای تفکر و اندیشیدن است؛ درست

^۱ «إِذْ قَالَ لَأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا * يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا * يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا * يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا» (مریم: ۴۲ تا ۴۵)

مثل این که ما می‌خواهیم در علت حادثه‌ای پی‌جویی کنیم، تمام احتمالات و فرض‌ها را یک به یک مورد مطالعه قرار می‌دهیم». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۳۱۱)

برخی مفسران، این رأی را در کنار دیگر وجوه ممکن برای تفسیر این آیه آورده‌اند. علامه درباره این رأی آورده است که از سیاق این آیات و آیات دیگر مناظرات حضرت ابراهیم (ع) با آزر و با قوم، برمی‌آید که ایشان دور از فرهنگ قوم رشد کرده و پس از مواجهه با بت پرستی پدر، به مشاجره و خدشه‌دار کردن الوهیت بت‌ها پرداخته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۷، ص ۱۶۰). سپس به سراغ قوم رفته، بر وجه محاجه (چون از آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مریم برمی‌آید که در زمان محاجه می‌دانسته مدبر امورش خدای سبحان است و گفتن هذا ربی از باب تسلیم و سخن گفتن به زبان قوم است تا آن‌ها را به حقیقت هدایت کند) (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۷، ص ۱۷۷)، آن‌ها را خدای خود دانسته و با غروب کردن اجرام ربوبیشان را باطل شناخته است. سپس در توضیح این رأی که حضرت ابراهیم (ع) در حال استدلال برای شناخت خدای خود است و در دفاع از ناشناخته بودن اجرام و خدایان برای حضرت ابراهیم (ع)، به تعبیرات حضرت هنگام پرستش اجرام آسمانی اشاره کرده و معتقد است روشن‌ترین دلیل، تعبیرات آن حضرت درباره آفتاب است: تعبیر کسی است که گویا اصلاً نمی‌داند این جرم چیست و به جای «هذه» که برای خورشید به کار می‌رود، از «هذا» که برای جرم (مذکر) تعبیر می‌شود استفاده کرده، در حالی که در بزرگسالی در احتجاج با نمرود، این نکته را رعایت کرده، می‌گوید: «... فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ» (بقره: ۲۵۸)؛ یعنی به جای «بها» از «به» استفاده نمی‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۷، ص ۱۸۲). البته علامه رب در این آیه را به معنای مدبر امور دانسته و نه خدای خالق و در توضیح آورده که حتی ستاره پرستان و بت پرستان هم در مساله خلقت، شریکی برای خدای سبحان قائل نبودند و تنها معتقد بودند که خداوند تدبیر و اداره مخلوقات را به بت‌ها و آن‌ها داده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۷، ص ۱۷۴)

قمی و خطیب (قمی، ۱۳۶۳ ق، ج ۱، ص ۲۰۷؛ خطیب، ۱۴۲۴ ق، ج ۴، ص ۲۲۴)، شبیه به همین رأی را آورده و معتقدند که حضرت ابراهیم (ع) دوران طفولیت را در غار گذرانده و پس از خارج شدن در حال استدلال برای یافتن خدای خود بوده است. اما آن‌ها ارتباطی بین

این آیه و آیه قبل ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾- (انعام: ۷۵) برقرار کرده و معتقدند، پس از جست‌وجو برای پروردگارش، خداوند ملکوت آسمان‌ها و زمین را به او نشان داده و از موقنین شد. جمل نیز مشابه همین رأی را به عنوان یکی از وجوه محتمل در تفسیر این آیه آورده است. (جمل، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳)

برخی مفسران در توضیح این رأی، به قولی از امام صادق استناد کرده‌اند (قمی، ۱۳۶۳ق، ج ۱، ص ۲۰۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۹؛ اشکوری، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۷۸۳-۷۸۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۳۵-۷۳۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۳۱؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۳۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۷، ص ۱۵۴-۲۴۱):

«عَنْ حُجْرٍ قَالَ: أَرْسَلَ الْعَلَاءُ بْنُ سَيَابَةَ يُسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «هَذَا رَبِّي» قَالَ: إِنَّهُ مَنْ قَالَ هَذَا الْيَوْمَ فَهُوَ عِنْدَنَا مُشْرِكٌ، قَالَ: لَمْ يَكُنْ مِنْ إِبْرَاهِيمَ شَرِكٌ، إِنَّمَا كَانَ فِي طَلَبِ رَبِّهِ وَهُوَ مِنْ غَيْرِهِ شَرِكٌ». (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۳۵-۷۳۸)

هم‌چنین برخی به قولی دیگر از حضرت امام صادق (ع) استناد می‌کنند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۶۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۳۱-۱۳۳؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۳۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۷، ص ۱۵۴-۲۴۱):

«عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ فِي إِبْرَاهِيمَ ع إِذْ رَأَى كَوْكَبًا - قَالَ: إِنَّمَا كَانَ طَالِبًا لِرَبِّهِ وَ لَمْ يَتْلُغْ كُفْرًا، وَإِنَّهُ مَنْ فَكَّرَ مِنَ النَّاسِ فِي مِثْلِ ذَلِكَ فَإِنَّهُ بِمَنْزِلَتِهِ». (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۶۴)

شعرانی، فضل‌الله و میدانی، شبیه به همین مفهوم را با تعبیر دیگری آورده و معتقدند که حضرت ابراهیم (ع) عبارت «هَذَا رَبِّي» را بر سبیل خبر نیاورده بلکه بر فرض و تقدیر می‌گوید (شعرانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ص ۴۹۹)، گویی در آن شک و تردیدی نهفته (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۱۷۹) و آن را به عنوان یک احتمال (میدانی، ۱۳۶۱ش، ج ۱۱، ص ۳۰۷) بر زبان آورده است.

صاوی، قطب و مدرسی (صاوی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۶۲؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۱۳۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۱۱۲-۱۱۳)، این زعم و گمان را ناشی از هدایت فطری دانسته‌اند و معتقدند که حضرت ابراهیم (ع) در این آیات هنوز به قطع و یقین نرسیده و تنها مطابق فطرت آن را بر زبان آورده و نهایتاً به جایی می‌رسد که فطرت با عقل منطبق شده،

خدای خود را می‌شناسد. مدرسی در توضیح این رأی، به واژه «حب» اشاره کرده و معتقد است: «الحب هو الفطرة النقية قبل أن يصبح فكرة مستدلة متكاملة».

دسته سوم: سخن گفتن بر وجه انکار و استفهام

مفسران این دسته، معتقدند که حضرت ابراهیم(ع) با دیدن ستاره و ماه و خورشید و این که این اجرام همگی قابل افول هستند، از روی انکار و نه بر وجه خبر، می‌پرسد: «هذا ربِّي». دلیل ایشان آن است که افتادن همزه استفهام در کلام عرب بسیار معمول است و از آن جا که حضرت ابراهیم(ع) به عنوان یک پیامبر بزرگ نمی‌تواند این اجرام آسمانی را رب خود بداند، معتقدند این کلام نیز بر وجه استفهام و انکار بیان شده است. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۱۶۴-۱۶۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۶۲؛ ابن جزی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۲۶۷؛ سمن، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۰۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۸۷؛ شبیر، ۱۴۱۰ق، ص ۱۵۸؛ صادقی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۰، ص ۱۰۴؛ شعراوی، ۱۹۹۱م، ج ۶، ص ۳۷۵) تهران،

برخی مفسران این دسته، در تأیید رأی خود به حدیثی از امام رضا(ع) اشاره می‌کنند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۹؛ اشکوری، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۷۸۳-۷۸۴؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۷۳۵-۷۳۹؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۳۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۳۷۰-۳۷۶؛ شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۳، ص ۳۱۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۷، ص ۱۵۴-۲۴۱؛ صادقی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۳۸):

ورد: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَعَ إِلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ يَعْبُدُ التَّرْهَرَةَ وَصِنْفٌ يَعْبُدُ الْقَمَرَ وَصِنْفٌ يَعْبُدُ الشَّمْسَ، وَذَلِكَ حِينَ خَرَجَ مِنَ السَّرْبِ الَّذِي أَخْفَى فِيهِ، «فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ» رَأَى التَّرْهَرَةَ «قَالَ هَذَا رَبِّي» عَلَى الْإِنْكَارِ وَالِاسْتِخْبَارِ، «فَلَمَّا أَقْلَّ» الْكُوكَبُ «قَالَ لَا أَحِبُّ الْآفِلِينَ». (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۳۲۹).

دسته چهارم: بر زبان آوردن این سخنان از روی استهزا

دسته‌ای از مفسران، وجه تحقیر و استهزاء بت‌ها در این کلام حضرت ابراهیم(ع) را به عنوان وجهی ممکن در آراء خود ذکر می‌کنند. (دینوری، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۲۳۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۳۴۸-۳۵۰؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۳، ص ۳۶۳؛ نهاوندی، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ص ۵۰۴-۵۰۵؛ ثقفی، ۱۳۹۸ق، ج ۲، ص ۳۳۹؛ حوی، ۱۴۲۴ق، ج ۳، ص ۱۶۹۶)

دسته پنجم: اشاره به برداشته شدن حجاب‌های معنوی از دیدگان حضرت ابراهیم(ع)

قشیری تفسیر این آیات را طلوع ستاره عقل و دیدن نور برهان دانسته است (قشیری، ۲۰۰۰ م، ج ۱، ص ۴۸۴). روزبهان بقلی آن را اتصال به نور الهی و بالغ شدن و رسیدن به مقام عشق می‌داند (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸ م، ج ۱، ص ۳۷۶). ابن عربی عبارت "هذا ربّي" را عبور از مقام نفس و طلوع نور قلب و اشراق دانسته است (ابن عربی، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۲۰۷). عاملی در تفسیر این آیات، به اعتقادات صوفیه اشاره کرده، می‌گوید:

«مقصود از الفاظ کوكب و قمر و شمس، نورهایی است که حجب و پرده‌های حق است و برای وصول به آن بایستی به هر یک از پرده‌ها برسند و بگذرند و البته هر یک از دیگری بزرگ‌تر است، و چون کوچک‌تر، جسم نورانی ستاره است، به جای حجاب اول به کار برده شده است، و هم‌چنین متوسط که ماه است و بزرگ‌تر که خورشید است، هر یک کنایه هستند از پرده‌ای از حجب نور حق که ابراهیم چون به هر یک می‌رسید، می‌پنداشت واصل به حق شده است تا رسید به حجاب نزدیک‌تر که پشت آن مقام وصول است، از این جهت گفت: «هذا اکبر»، ولی چون دانست که با همه بزرگی و روشنی قابل زوال است، گفت: "وَجْهٌ وَجْهِي"». (عاملی، ۱۳۶۰ ش، ج ۳، ص ۴۸۶)

دسته ششم: رب، مدبرانی در کنار خالق

برخی مفسران ذیل این آیه، به بررسی معنای رب پرداخته و با توجه به اعتقادات بت‌پرستان مبنی بر این که بت‌ها را در خلقت جایگزین خدا نمی‌دانند و تنها تدبیر امورشان را در دست آن‌ها می‌دانند، رب در این آیه را هم به مدبر امر تفسیر کرده و معتقدند، حضرت ابراهیم(ع) می‌دانسته که خداوند خالق، جسم نبوده و قابل رویت نیست. اما آن‌چه در این آیه بر سر آن با ستاره‌پرستان و سایر مشرکان بحث می‌کند، موضوع تدبیر امور است؛ یعنی آیا در کنار خداوند خالق، رب دیگری وجود دارد که به تدبیر امور پردازد و یا خالق و مدبر همه امور خداوند یکتاست؟ (ابن عادل، ۱۴۱۹ ق، ج ۸، ص ۲۴۶ - ۲۴۷؛ رضا، ۱۴۱۴ ق، ج ۷، ص ۵۵۷ - ۵۶۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۷، ص ۱۵۴ - ۲۴۱)

دسته هفتم: «هَذَا رَبِّي» از زبان آزر و ستاره‌پرستان

فخر رازی، خازن و جمل، این احتمال را مطرح کرده‌اند که این کلمات از زبان ستاره‌پرستان بیان شده باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۳، ص ۳۸؛ خازن، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۱۲۸؛ جمل، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۳). به باور بلاغی، «هَذَا رَبِّي» از زبان آزر گفته شده است:

«پس چون شب، پرده تاریکی خود را بر آزر افکند، آزر ستاره‌ای را دید گفت: این ستاره پروردگار من است. پس چون آن ستاره (ناپدید شد و) فرو رفت، ابراهیم گفت: فرو روندگان را (که از نظر ناپدید می‌شوند) دوست ندارم (زیرا زوال و انتقال و غروب برای پروردگار عالم روا نباشد)». (بلاغی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۲۱۰)

دسته هشتم: رویت ملکوت توسط حضرت ابراهیم(ع)

ابن عطیه و سیوطی، معتقدند که حضرت ابراهیم(ع) پس از خارج شدن از غاری که دوران طفولیت خود را در آن گذرانده بود، به دیدن ملکوت سماوات و ارض نایل شده و دیدن ستاره و ماه و خورشید هم جزء همان دیدار آسمان‌ها و زمین است که پس از آن به یقین می‌رسد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۱۲-۳۱۴؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۲۵)

بررسی آرا و دلایل مفسران

۱. بررسی دلایل دسته اول

دسته اول از مفسران برای اثبات آن که حضرت ابراهیم(ع) پیش از بر زبان آوردن این عبارات خدای خود را شناخته و لذا در این جا در صدد محاجه با قوم برآمده است، به هفت دلیل استناد کرده‌اند که دلایل ایشان به تفصیل آورده می‌شود:

دلیل اول که به قدرت ابراهیم(ع) در محاجه و مباحثه در برابر بت‌پرستان اشاره دارد، دلیلی بجا و قابل قبول است. در آیات سوره انبیاء می‌بینیم که در مقابل سوال بت‌پرستان که چه کسی بت‌ها را شکسته است، با آن‌ها محاجه کرده، در جواب آن‌ها می‌فرماید: *بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنَّ كَانُوا يَنْطِقُونَ* (انبیاء: ۶۳). این قدرت ایشان در محاجه با قوم خود، در آیات سوره انعام هم دیده می‌شود؛ یعنی ابتدا قوم را در پرستش اجرام آسمانی همراهی کرده و پس از غروب آن‌ها، عملاً به ایشان نشان داده که این اجرام قابل افول، شایستگی

پرستش را ندارند. پس اگر نگوییم این بهترین دلیل در اثبات رأی دسته اول است، دست کم می‌تواند یکی از بهترین دلایل باشد.

دلایل دوم و سوم: به تقدم آیات ۷۴ و ۷۵ استناد می‌کنند که به دعوت ابراهیم(ع) از پدرش و رویت ملکوت آسمان‌ها و زمین اشاره دارند و مطرح شدن این مباحث قبل از عبارت "هذا ربی"، نشان می‌دهد که این عبارت بر وجه محاجه آورده شده است. آورده شدن فاء تفریع در ابتدای آیه بعد ﴿فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا...﴾ (انعام: ۷۶) و حتی آیات ۷۷ و ۷۸، نشان از آن است که این آیه (آیات) نتیجه و فرع آیات ۷۴ و ۷۵ است و درستی این دلایل را می‌تواند ثابت کند.

دلیل چهارم: مهم‌ترین دلیل مفسران دسته اول و در بین هشت دسته آرا و از همه محکم‌تر است و به ذکر وجه محاجه در آیات ۸۰ و ۸۳ همین سوره برمی‌گردد. در پایان این محاجه آورده شده: ﴿وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ...﴾ (انعام: ۸۰). هم‌چنین خداوند در آیه ۸۳ می‌فرماید: "ما این حجت را به ابراهیم دادیم": ﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ﴾. از میان مفسران هیچ یک به رد این دلیل نپرداخته‌اند.

دلیل پنجم: استناد این دسته به حدیث امام صادق(ع) است که می‌فرماید: در بیان عبارت «هَذَا رَبِّي» حضرت ابراهیم(ع) چیزی غیر از آنچه را گفته بود اراده کرده است. مضمون این حدیث با وانمود کردن ابراهیم به پرستش اجرام آسمانی سازگار است.

دلیل ششم: اشاره به فطری بودن هدایت است که نشان می‌دهد حضرت ابراهیم(ع) بر پایه هدایت فطری خدای خود را شناخته و لذا در این آیات، در حال وانمود کردن به پرستش غیر خداست. در این رأی، ابن کثیر و زحیلی به حدیث نبوی «كل مولود يولد على الفطرة» و آیه ۳۰ سوره روم استناد کرده‌اند. هر چند این استناد کاملاً درست است، از آن جا که این هدایت فطری برای همه، حتی مشرکان و بت پرستان وجود دارد، در اثبات محاجه حضرت ابراهیم در برابر بت پرستان کارا نیست.

هفتمین دلیل مهم این دسته، استناد به آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مریم است (طباطبایی، ۱۳۹۰ش، ج ۷، ص ۱۷۷). در رد این دلیل باید گفت: تنها زمانی می‌توان به آن استناد کرد که ثابت شود دعوت حضرت ابراهیم(ع) از پدرشان برای ترک بت پرستی تنها در یک نوبت

انجام شده باشد. به عبارت دیگر با استناد به این دلیل، مخالفان این رأی می‌توانند ادعا کنند ممکن است دعوت حضرت در این آیات در ابتدای ایمانشان بوده و هم‌چنین ایشان دعوت دیگری هم پس از رسالت از پدر خود داشته‌اند که این دعوت دوم در آیات ۴۲ تا ۴۵ سوره مریم ذکر شده باشد.

از مجموع هفت دلیل در اثبات رأی دسته اول، پنج دلیل اول پذیرفتنی است و دو دلیل آخر با توضیحات آورده شده رد می‌شوند. هم‌چنین دلایل دوم، سوم و چهارم، با توجه به ارتباط میان آیات بیان شده است که کاربرد این روش در اثبات رأی صحیح در بررسی تطبیقی را نشان می‌دهد.

۲. بررسی دلایل دسته دوم

مفسران در دسته دوم، برای اثبات آن که عبارت «هَذَا رَبِّي» به معنای آن است که حضرت ابراهیم(ع) در حال استدلال برای یافتن خدای خود بوده، صرف نظر از داستان‌های روایت شده درباره کودکی ایشان که سند محکمی برای آن‌ها وجود ندارد،^۱ به سه دلیل دیگر هم استناد کرده‌اند:

دلیل دوم: مهم‌ترین دلیل این دسته، اشاره به عباراتی است که حضرت ابراهیم(ع) در این آیات بر زبان آورده و از همه مهم‌تر این که به جای «هذه» که برای خورشید به کار می‌رود، از «هذا» که برای جرم (مذکر) تعبیر می‌شود استفاده کرده است، در حالی که در بزرگسالی و در صحبت با نمرود در آیه ۲۵۸ بقره، برای خورشید به جای «بها» از «به» استفاده نمی‌کند. در رد این دلیل باید گفت: حضرت ابراهیم(ع) از آن جا که در میان قوم وانمود می‌کند مانند ایشان در حال پرستش خورشید است، در کلام خود برای این جرم آسمانی تقدس قائل شده است. وقتی می‌گوید: «هَذَا رَبِّي»، به این معناست که این جرم دیگر ماهیت

^۱ مفسران این دسته به ذکر این داستان که در روایات آمده مادر حضرت ابراهیم(ع) از ترس نمرود او را در غاری پرورش داده و تا سن بلوغ آسمان را ندیده بوده است، بسنده کرده‌اند و به روایتی خاص اشاره ندارند. از جمله ایشان: طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۴، ص ۵۰۳ تا ۵۰۴؛ ابن عبدالسلام، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۹۳؛ سلطان علی شاه، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۱۳۷؛ رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۵۵۷ تا ۵۶۸؛ و برخی از تفاسیر از جمله نمونه حتی این رأی را نقد کرده‌اند و معتقدند این داستان که کودکی سالها در غار زندگی کرده و حتی شب تاریک هم پا از غار بیرون نگذاشته باشد و تا سن بلوغ اجرام آسمانی ران دیده باشد بعید به نظر می‌رسد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۳۱۱).

قبلی خود را ندارد و مقام ربوبیت برای آن قائل شده است و لذا دلیلی ندارد آن را مانند ماهیت قبل‌اش که خورشید است، «هذه» خطاب کند (عرب برای خورشید مونث مجازی و برای جرم نامعلوم، مذکر مجازی به کار می‌برند). پس توجه به ارتباط میان عبارات و کلمات بیان‌شده در این آیات، می‌تواند خود تقویت‌کننده دلایل مطرح‌شده در دسته اول و ردکننده دلیل مطرح‌شده در این دسته از آرا باشد.

دلیل سوم: این که قمی و خطیب معتقدند حضرت ابراهیم (ع) در آیه ۷۶ تا ۷۹ به دنبال خدای خود می‌گشته و لذا خداوند در آیه ۷۵ پاسخ این استدلال را به او داده و ملکوت آسمان‌ها و زمین را به ایشان نشان داده، علاوه بر آن که ترتیب آیات را رعایت نمی‌کند و دلیل محکمی هم به شمار نمی‌رود، باید گفت استناد دسته اول به این آیه قابل قبول‌تر است و ترتیب آیات را هم بر هم نمی‌زند. دسته اول معتقدند، خداوند ابتدا در آیه ۷۵ ملکوت را به ابراهیم (ع) نشان داده و سپس در آیه ۷۶ به محاجه با قوم خود می‌رود. پس استناد به آیه ۷۵ اگر به تعبیر دسته اول، به ضرر دسته دوم نباشد قطعاً به نفع ایشان هم نخواهد بود.

دلیل چهارم: روایاتی از امام صادق (ع) است که معتقدند، گفتن «هَذَا رَبِّي» از طرف کسی که در حال یافتن خدای خود است شرک محسوب نمی‌شود. علامه درباره این روایات می‌گوید: احتمالاً امام (ع) این آیه را صرفاً فرض در نظر گرفته‌اند و می‌خواسته اعتقاد طرف را موقتاً و به طور مماشات قبول کند تا به این وسیله جواب پرسش‌گر را گفته باشند و نه به این معنا که این روایت در تفسیر این آیه آمده باشد. البته دلایل دسته اول هم نشان می‌دهد این روایت اگر در معنای تفسیر این آیه آمده باشد، با آیات دیگر این سوره تعارض دارد.

۳. بررسی دلایل دسته‌های سوم و چهارم

مفسران در دسته سوم، برای اثبات آن که حضرت ابراهیم (ع) بر وجه انکار و استفهام سخن گفته، به دو دلیل استناد کرده‌اند. در وجه انکار، به حدیثی از امام رضا (ع) اشاره دارند و درباره وجه استفهام معتقدند که افتادن همزه استفهام در میان عرب شایع است. در رد وجه انکار و استفهام باید به ارتباط میان آیات و عبارات در این چند آیه توجه داشت. بررسی عبارات نشان می‌دهد در این سه آیه، هر بار بعد از افول تغییر نظر پیدا شده است پس با فرض انکار سازگاری ندارد، چرا که انکار بعد از افول مطرح شده است. چنان‌چه حضرت

ابراهیم(ع) بر وجه انکار عبارت «هَذَا رَبِّي» را بر زبان آورده باشند، چه نیازی است برای گفتن ادامه این کلام یعنی «لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» تا زمان غروب ستاره صبر کند، در حالی که کاملاً در سیاق کلام ایشان روشن است که پس از غروب این اجرام، ایشان ربوبیت‌شان را انکار کرده‌اند: *فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ* (انعام: ۷۶). باز همین مساله در آیات ۷۷ و ۷۸ هم تکرار می‌شود و نشان می‌دهد که عبارت «هَذَا رَبِّي» در این آیات نمی‌تواند بر وجه انکار یا استفهام باشد.

مفسران در دسته چهارم معتقدند که این عبارت بر وجه استهزا آورده شده است. علامه جوایی کامل و قانع‌کننده برای این دسته رأی آورده، می‌گوید: «ممکن است بگویند غرض حضرت از بیان "هَذَا رَبِّي"، تحقیر بت‌ها باشد اما این معنا از ادب حضرت ابراهیم به دور است» (طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۷، ص ۱۵۸). او در برابر آزر جز به ادب سخن نگفت و حتی وقتی او را راند در پاسخش گفت: *سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا* (مریم: ۴۷) و از طرفی قرآن می‌فرماید: *وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ* (انعام: ۱۰۸) که نشان می‌دهد خداوند حتی توهین به بت‌های بت‌پرستان را جایز نمی‌داند. مجموع این دلایل برای رد وجه استهزا کفایت می‌کند. هم‌چنین در رد این وجه با توجه به ارتباط آیات می‌توان باز هم به دلیل قبلی اشاره کرد، این که اگر ایشان بر وجه استهزا عبارت «هَذَا رَبِّي» را بر زبان آورده باشند، چرا باید برای رد ربوبیت آن‌ها تا غروب و افول اجرام صبر کنند؟

۴. بررسی آراء دسته‌های پنجم تا هشتم

مفسران دسته پنجم، با استناد به آیه ۷۵ این سوره، معتقدند که دیدن اجرام آسمانی، ذکر مراحل پیموده‌شده توسط حضرت ابراهیم(ع) در برداشته شدن حجاب‌های معنوی ایشان است. در رد رویکردهای عرفانی این دسته از مفسران در تفسیر عبارت «هَذَا رَبِّي»، باز هم باید به ارتباط میان آیات ۷۶ تا ۷۹ با آیات بعد از خود یعنی آیات ۸۰ تا ۸۳ توجه داشت. چنان‌چه این آیات اشاره به سلوک عرفانی حضرت ابراهیم(ع) داشته باشند، بیان وجه محاجه ایشان با قوم که بلافاصله در آیه ۸۰ مطرح شده و تا آیه ۸۳ ادامه دارد، جایی نمی‌تواند داشته باشد و چه دلیلی دارد که ایشان پس از طی مراحل عرفانی و تسلیم خالصانه به درگاه پروردگار

آسمان‌ها و زمین (آیه ۷۹) به محاجه با قوم خود پردازد؟ در حالی که وجود این محاجه با قوم پس از رد ربوبیت اجرام، بیش‌تر ثابت‌کننده رأی دسته اول است. پس مجموع این شواهد، رأی دسته پنجم را نیز باطل می‌کند.

دسته ششم به این موضوع اشاره دارند که رب به معنای خدای خالق نیست و تنها معنای مدبر امور را دربردارد و به اعتقاد بت‌پرستان در طول تاریخ استناد کرده‌اند که هیچ یک در خلقت جهان برای خدا شریکی قائل نبوده‌اند. درباره این دلیل باید گفت: این که مقصود حضرت ابراهیم (ع) از بیان «هَذَا رَبِّي» خدای خالق باشد یا خدای مدبر امور، مشکلی را از مساله شرکی که در این آیه مطرح شده است حل نمی‌کند.

دسته هفتم در بیان این رأی که «هَذَا رَبِّي» از زبان آزر و ستاره‌پرستان بوده، هیچ دلیلی نیاورده‌اند. هم‌چنین است رأی دسته هشتم که معتقدند دیده شدن اجرام آسمانی در مراحل رویت ملکوت است که برای حضرت ابراهیم (ع) اتفاق می‌افتد؛ بنابراین بررسی دلایل مفسران در آراء ایشان، نشان می‌دهد دلایل دسته‌های دوم تا هشتم همگی مردود است. از میان هفت دلیل مطرح‌شده در رأی دسته دوم، دو دلیل آخر نپذیرفتنی و پنج دلیل اول پذیرفتنی‌اند.

نقش بررسی سیاق و ارتباط آیات در نقد و ترجیح اقوال مفسران

بررسی ارتباط میان آیات یک سوره در تفسیر آن، از دیرباز کانون توجه مفسران بوده و با گذر زمان در سده‌های اخیر بیش‌تر مورد بررسی و اثبات قرار گرفته است. اغلب تفاسیر در بررسی خود معنای هر آیه را جداگانه بررسی کرده‌اند و این امر در برخی آیات سوره‌ها، باعث اختلاف آراء عجیبی میان مفسران شده است. از جمله این موارد، اختلاف رایی است که در این آیات از سوره انعام بر سر معنای «هَذَا رَبِّي» اتفاق افتاده است. در این تحقیق در نه مورد بررسی ارتباط میان آیات به کمک مفسر آمده که به ترتیب عبارتند از:

۱. در بررسی نظر گروه اول که معتقدند عبارت «هَذَا رَبِّي» در طفولیت از زبان حضرت گفته شده است، بررسی ارتباط میان آیات ۷۶ تا ۸۳ نشان می‌دهد عبارت‌هایی مانند «إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (انعام: ۷۴)، «لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ» (انعام: ۷۷)، «يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام: ۷۸)، «إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضَ حَنِيفًا* (انعام: ۷۹) و سایر آیات از ۸۰ تا ۸۳ عبارت‌هایی نیستند که بتوانند در زمان طفولیت و یا پیش از نبوت و شناخت خداوند از زبان حضرت ابراهیم(ع) صادر شده باشند؛ هم‌چنان که فضل‌الله نیز به عبارت آیه ۷۷ اشاره داشت. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۱۸۳)

در بررسی هشت دسته رأی از آراء گروه دوم نیز در موارد زیر با کمک بررسی ارتباط میان آیات و عبارات، می‌توان به اثبات رأی صحیح و یا رد رأی خطا پرداخت:

۲. دلیل دوم از رأی دسته اول با بیان ارتباط آیه ۷۴ با آیات بعد از خود نشان می‌دهد، حضرت ابراهیم(ع) قبل از محاجه با قوم و بیان عبارت «هَذَا رَبِّي» خدای خود را شناخته است. ۳. دلیل سوم از دسته اول با بیان ارتباط آیه ۷۵ با آیات بعد از خود نشان می‌دهد، حضرت ابراهیم(ع) قبل از استدلال آوردن برای قوم خود و گفتن «هَذَا رَبِّي»، ملکوت آسمان‌ها و زمین را دیده و به یقین رسیده است.

۴. دلیل چهارم از دسته اول به کمک ارتباط آیات ۷۶ تا ۷۹ با آیات ۸۰ تا ۸۳ نشان می‌دهد، بیان عبارت «هَذَا رَبِّي» برای قوم بر وجه محاجه است: *وَرَجَّه قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ...* (۸۰)، *وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ...* (۸۱)، *...وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ* (۸۳).

۵. در رد دلیل دوم از دسته دوم که معتقدند بیان "هذا" برای خورشید از زبان حضرت ابراهیم(ع)، نشان از طفولیت یا ناآگاهی ایشان است، توجه به ارتباط آیات نشان می‌دهد ایشان برای همراهی با قوم و تقدس قائل شدن برای آن جرم آسمانی، با به کار بردن "هذا" ماهیت خورشید بودن را از آن گرفته و ماهیت جرمی مقدس برای پرستش را به خورشید داده است.

۶. در رد دلیل سوم از دسته دوم که ترتیب آیات را برهم زده و معتقدند در آیات ۷۶ تا ۷۹، ابراهیم(ع) دنبال خدایش می‌گشته و در آیه ۷۵ خداوند پاسخ ایشان را داده است، باز ارتباط میان آیات در رعایت تقدیم و تاخیر به کمک مفسر آمده و نشان می‌دهد رأی دسته اول که معتقدند ابراهیم(ع) ابتدا در آیه ۷۵ خدایش را شناخته و در آیات بعد به محاجه با قوم خود پرداخته، درست‌تر است.

۷. در رد دلیل دسته سوم که معتقدند حضرت ابراهیم (ع) «هَذَا رَبِّي» را بر وجه انکار و استفهام بر زبان آورده است، بررسی ارتباط میان آیات و عبارات، نشان می‌دهد اگر بر وجه انکار بود، دلیلی نداشت ایشان برای گفتن «لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ»، تا غروب ستاره و یا در آیات بعدی تا غروب ماه و خورشید صبر کنند: *فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ* (انعام: ۷۶)، و در همان لحظه معنای انکار جاری می‌شد.

۸. در رد دلیل دسته چهارم که معتقدند این کلام بر وجه استهزا آورده شده، باز ارتباط آیات نشان می‌دهد بی‌میلی ایشان به پذیرش ربوبیت آن‌ها پس از افول بوده و نه پس از استهزا.

۹. در رد دلیل دسته پنجم که دیدن ستاره و ماه و خورشید را در حالت سیر و سلوک عرفانی حضرت ابراهیم (ع) می‌دانند، توجه به ارتباط آیات ۷۶ تا ۷۹ با دسته بعدی از آیات که محاجه ایشان با قوم را نشان می‌دهد یعنی آیات ۸۰ تا ۸۳، به کمک مفسر آمده است. بررسی دلایل مفسران در این هشت دسته، نشان می‌دهد غیر از آراء آورده شده در دسته‌های ششم تا هشتم که تقریباً دلیلی برای رأی خود نیاورده‌اند، در تمام دسته‌های آراء، بررسی ارتباط میان آیات در اثبات و رد دلایل مفسران به کمک آمده و این مساله کاربرد توجه به ارتباط میان آیات در تشخیص رأی قابل قبول در تفسیر تطبیقی را نشان می‌دهد.

نتیجه

بررسی تطبیقی آراء مفسران قدیم و معاصر در تفسیر عبارت «هَذَا رَبِّي» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سوره انعام، نشان می‌دهد بین مفسران و حتی محققان معاصر، اختلاف نظر شدیدی در تفسیر این آیه وجود دارد. با دسته‌بندی آراء مفسران می‌توان این آراء را در دو گروه اصلی و گروه دوم را در هشت دسته اصلی طبقه‌بندی و بررسی کرد. بررسی دلایل دسته‌های آراء، نشان می‌دهد پنج دلیل از دلایل آورده شده برای رأی دسته اول قابل قبول است و این مساله به حذف سایر آراء مفسران در این آیه می‌انجامد. در نتیجه این بررسی، حضرت ابراهیم (ع) بر وجه محاجه با قوم خود، ابتدا ایشان را در پرستش اجرام آسمانی همراهی کرده و پس از افول و غروب اجرام، عملاً به آن‌ها نشان داده چنین خدایانی سزاوار پرستش نیستند.

دلیل گروه اول و سه دلیل از پنج دلیل مفسران دسته اول از گروه دوم، با تکیه بر ارتباط آیات بوده، هم‌چنین دو دلیل از دلایل مفسران دسته دوم و همین‌طور دلایل مطرح‌شده توسط مفسران دسته‌های سوم، چهارم و پنجم با تکیه بر ارتباط آیات رد می‌گردد و مردود بودن آن‌ها اثبات می‌شود. با توجه به این که دسته‌های ششم تا هشتم به دلیل خاصی برای آراء خود اشاره نمی‌کنند، می‌توان گفت از مجموعه پانزده دلیل ارائه‌شده در دسته‌ها و گروه‌های مختلف این تحقیق، نه مورد مستقیماً با کمک بررسی ارتباط میان آیات سوره نقد شده و قابل پذیرش یا غیر قابل پذیرش بودن آن‌ها ثابت می‌شود. این موضوع اهمیت بررسی ارتباط آیات در تفسیر تطبیقی را نشان می‌دهد. پس در تفسیر تطبیقی آیات مشکله قرآن، بررسی ارتباط میان آیات سوره و توجه به سیاق، می‌تواند به عنوان یکی از مرجحات در دلالت‌یابی آیات استفاده شود و در آخر، این بررسی نشان می‌دهد بررسی تطبیقی، گونه‌شناسی و تحلیل تفسیرهای آیات قرآن، به ویژه آیات مشکله، می‌تواند به فهم بهتر آیات قرآن کمک کند.

منابع

۱. آل‌غازی، عبدالقادر، بیان المعانی، دمشق: مطبعة الترقی، ۱۳۸۲ق.
۲. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق.
۳. ابن‌ابی حاتم، عبدالرحمان بن محمد، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، ریاض: مکتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ق.
۴. ابن‌جزی، محمد بن احمد، التسهیل لعلوم التنزیل، بیروت: شركة دارالأرقم بن أبی الأرقم، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن‌جوزی، عبدالرحمان بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۲۲ق.
۶. ابن‌عادل، عمر بن علی، اللباب فی علوم الکتاب، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۷. ابن‌عبدالسلام، عبدالعزیز بن عبدالسلام، تفسیر العزیز بن عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۹ق.
۸. ابن‌عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبد الرزاق)، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
۹. ابن‌عطیة، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
۱۰. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۹ق.
۱۱. ابو مسلم اصفهانی، محمد بن بحر، موسوعة تفاسیر المعتزلة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۹م.
۱۲. ابوالسعود، محمد بن محمد، تفسیر ابی السعود (ارشاد العقل السلیم الی مزیای القرآن الکریم)، بیروت: دار إحياء التراث العربی ۱۹۸۳م.
۱۳. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
۱۴. ابوحیان، محمد بن یوسف، تفسیر النهر الماد من البحر المحیط، بیروت: دارالجنان، ۱۴۰۷ق.
۱۵. ابوزهره، محمد، زهرة التفاسیر، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۱۶. اشکوری، محمد بن علی، تفسیر شریف لاهیجی، تهران: دفتر نشر داد، ۱۳۷۳ش.
۱۷. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسة البعثة، قسم الدراسات الإسلامية، ۱۴۱۵ق.
۱۸. بلاغی، عبدالحجّه، حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر، قم: حکمت، ۱۳۸۶ق.
۱۹. تستری، سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق.
۲۰. ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: برهان، ۱۳۹۸ق.
۲۱. جرجانی، حسین بن حسن، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۸ق.
۲۲. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۶ش.
۲۳. جمل، سلیمان بن عمر، الفتوحات الإلهیة بتوضیح تفسیر الجلالین للسدایق الخفیة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
۲۴. حقی‌برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۵. حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، قاهره: دارالسلام، ۱۴۲۴ق.

۲۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
۲۷. خازن، علی بن محمد، تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲۸. خطیب، عبدالکریم، التفسیر القرآنی للقرآن، بیروت: دارالفکر العربی، ۱۴۲۴ق.
۲۹. خفاجی، احمد بن محمد، حاشیه الشهاب المسماء عنایة القاضي و کفایة الراضی علی تفسیر البیضاوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۳۰. ذخیل، علی محمد علی، الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز (ذخیل)، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۲ق.
۳۱. دینوری، عبدالله بن محمد، تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۳۲. رضا، محمد رشید، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۴ق.
۳۳. روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر، عرائس البیان فی حقائق القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۸م.
۳۴. زحیلی، وهبه، التفسیر الوسیط (زحیلی)، دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۲ق.
۳۵. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
۳۶. سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر، بیان السعادة فی مقامات العبادة، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۳۷. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۳۸. سمین، احمد بن یوسف، الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۳۹. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ق.
۴۰. شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، ۱۳۶۳ش.
۴۱. شیر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم (شیر)، قم: مؤسسة دارالهجرة، ۱۴۱۰ق.
۴۲. شعرانی، ابوالحسن، روح الجنان و منهج الصادقین، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.
۴۳. شعراوی، محمد متولی، تفسیر الشعراوی، اخبار الیوم، بیروت: ادارة الكتب و المكتبات، ۱۹۹۱م.
۴۴. شوکانی، محمد، فتح القدير، دمشق: دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ق.
۴۵. صادقی تهرانی، محمد، البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادق الطهرانی، ۱۴۱۹ق.
۴۶. صاوی، احمد بن محمد، حاشیه الصاوی علی تفسیر الجلالین، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۷ق.
۴۷. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۴۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۴۹. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.

۵۰. طوفی، سلیمان بن عبد القوی، **الإشارات الالهية الى المباحث الاصولية**، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
۵۱. طیب، عبدالحسین، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: اسلام، ۱۳۶۹ش.
۵۲. عاملی، ابراهیم، **تفسیر عاملی**، تهران: کتاب فروشی صدوق، ۱۳۶۰ش.
۵۳. علم الهدی، علی بن الحسین، **تفسیر الشریف المرتضی المسمی به نفائس التأویل**، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱ق.
۵۴. عیاشی، محمد بن مسعود، **التفسیر (تفسیر العیاشی)**، تهران: مکتبه العلمیة الاسلامیة، ۱۳۸۰ق.
۵۵. فخر رازی، محمد بن عمر، **التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۵۶. فضل الله، محمد حسین، **من وحی القرآن**، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
۵۷. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **تفسیر الصافی**، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۵۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، **الأصفی فی تفسیر القرآن**، قم: مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۱۸ق.
۵۹. قرشی بنابی، علی اکبر، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۵ش.
۶۰. قشیری، عبد الکریم بن هوازن، **لطائف الاشارات: تفسیر صوفی کامل للقرآن الکریم**، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۰م.
۶۱. قطب، سید، **فی ظلال القرآن**، بیروت: دارالشروق، ۱۴۲۵ق.
۶۲. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر القمی**، قم: دارالکتب، ۱۳۶۳ش.
۶۳. قمی مشهدی، محمد، **تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۸ش.
۶۴. ماتریدی، محمد بن محمد، **تأویلات أهل السنة (تفسیر الماتریدی)**، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
۶۵. مدرسی، محمد تقی، **من هدی القرآن**، تهران: دار محیی الحسین، ۱۴۱۹ق.
۶۶. مقاتل بن سلیمان، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۶۷. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ش.
۶۸. میبدی، احمد بن محمد، **کشف الاسرار و عدة الأبرار**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
۶۹. میدانی، عبدالرحمان حسن حبیکه، **معارج التفکر و دقائق التدبر**، دمشق: دارالقلم، ۱۳۶۱ش.
۷۰. نظام الاعرج، حسن بن محمد، **تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان**، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۶ق.
۷۱. نهاوندی، محمد، **نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن**، قم: مؤسسة البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۸۶ش.
۷۲. نیشابوری، محمود بن ابوالحسن، **إيجاز البیان عن معانی القرآن**، بیروت: دارالغرب الإسلامی، ۱۴۱۵ق.
۷۳. یزیدی، عبدالله بن یحیی، **غریب القرآن و تفسیره**، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۰۵ق.

Bibliography

- ‘Alam al-Hodā, ‘Ali Ibn al-Hosayn, *Tafsir al-Sharif al-Mortazā al-Mosammā beh Nafā’ es al-Ta’wil*, Beirut: lel-Matbou’āt, 1431 A.H.
- ‘Āmeli, Ibrāhim, *Tafsir ‘Āmeli*, Tehran: Sadouq, 1360 S.H.
- Abou al-Fotouh Rāzi, Hosayn Ibn ‘Ali, *Rawz al-Jenān va Rouh al-Janān fi Tafsir al-Qur’ān*, Holy Mashhad: Astān-e Qods-e Razawī, 1408 A.H.
- Abou al-So’oud, Mohammad Ibn Mohammad, *Tafsir Abi al-So’oud (Irshād al-‘Aql al-Salim elā Mazāyā al-Qur’ān al-Karim)*, Beirut: Dār Ehyā’ al-Torāth al-‘Arabi, 1983.
- Abou Hayān, Mohammad Ibn Yousof, *Tafsir al-Nahr al-Mād men al-Bahr al-Mohit*, Beirut: Dār al-Jenān, 1407 A.H.
- Abou Moslem Isfahāni, Mohammad Ibn Bahr, *Mowsou’ah Tafāsir al-Mo’tazelah*, Beirut: Dār al-Kotob al-‘Elmiyah, 2009.
- Abou Zahrah, Mohammad, *Zahrah al-Tafāsir*, Beirut: Dār al-Fekr, N.D.
- Āl Ghāzi, ‘Abd al-Qāder, Bayān al-Ma’āni, Damascus: *al-Taraqqi*, 1382 A.H.
- Ālousi, Mahmoud Ibn ‘Abdollah, *Rouh al-Ma’āni fi Tafsir al-Qur’ān al-‘Azim va al-Sab’ al-Mathāni*, Beirut: Dār al-Kotob al-‘Elmiyah, 1415 A.H.
- ‘Ayyāshi, Mohammad Ibn Mas’oud, *al-Tafsir (Tafsir al-‘Ayyāshi)*, Tehran: Maktabah ‘Elmiyah al-Islāmiyah, 1380 A.H.
- Bahrāni, Hāshem Ibn Solaymān, *al-Borhān fi Tafsir al-Qur’ān*, Qom: al-Be’tthah Institute, Derāsāt al-Islāmiyah, 1415 A.H.
- Balāghi, ‘Abd al-Hojjah, *Hojjah al-Tafāsir va Belāgh al-Iksir*, Qom: Hekamt, 1386 A.H.
- Dakhil, ‘Ali Mohammad ‘Ali, *al-Vajiz fi Tafsir al-Ketāb al-‘Aziz (Dakhil)*, Beirut: Dār al-Ta’ārof lel-Matbu’āt, 1422 A.H.
- Dinwari, ‘Abdollah, Ibn Mohammad, *Tafsir Ibn Vahab al-Mosammā al-Vāzeh fi Tafsir al-Qur’ān al-Karim*, Beirut: Dār al-Kotob al-‘Elmiyah, 1424 A.H.
- Fakhr Rāzi, Mohammad Ibn ‘Omar, *al-Tafsir al-Kabir (Mafātih al-Ghayb)*, Beirut: Dār Ehyā’ al-Torāth al-‘Arabi, 1420 A.H.
- Fazl Allāh, Mohammad Hosayn, *Men Wahy al-Qur’ān*, Beirut: Dār al-Melāk, 1419 A.H.
- Feyz Kāshāni, Mohammad Ibn Shāh Mortazā, *al-Asfā fi Tafsir al-Qur’ān*, Qom: Markaz al-Nashr al-Tābe’ le-Maktab al-I’lām al-Islāmi, 1418 A.H.
- Feyz Kāshāni, Mohammad Ibn Shāh Mortazā, *Tafsir al-Sāfi*, Tehran: al-Sadr, 1415 A.H.
- Haqqi Borsevi, Ismā’il Ibn Mostafā, *Tafsir-e Rouh al-Bayān*, Beirut: Dār al-Fekr, N.D.
- Hawwā, Sa’id, *al-Asās fi al-Tafsir*, Cairo: Dār al-Salām, 1424 A.H.
- Howayzi, ‘Abd ‘Ali Ibn Jom’ah, *Tafsir Nour al-Thaqalayn*, Qom: Ismā’iliyan, 1415 A.H.
- Ibn ‘Abd al-Salām, ‘Abd al-‘Aziz Ibn ‘Abd al-Salām, *Tafsir, al-‘Aziz Ibn ‘Abd al-Salām*, Beirut: Dār al-Kotob al-‘Elmiyah, 1429 A.H.
- Ibn ‘Ādel, ‘Omar Ibn ‘Ali, *al-Lobāb fi ‘Oloum al-Ketāb*, Beirut: Dār al-Kotob al-‘Elmiyah, 1419 A.H.
- Ibn ‘Arabi, Mohammad Ibn ‘Ali, *Tafsir Ibn ‘Arabi (Ta’wilāt ‘Abd al-Razzāq)*, Beirut: Dār Ehyā’ al-Torāth al-‘Arabi, 1422 A.H.
- Ibn ‘Atiyah, ‘Abd al-Haq Ibn Ghāleb, *al-Mohrar al-Vajiz fi Tafsir al-Ketāb al-‘Aziz*, Beirut: Dār al-Kotob al-‘Elmiyah, 1422 A.H.

- Ibn Abi Hātam, 'Abd al-Rahmān Ibn Mohammad, *Tafsir al-Qur'ān al-'Azim (Ibn Abi Hātam)*, Riyadh: Nazār Mostafā al-Bāz, 1419 A.H.
- Ibn Jozay, 'Abd al-Rahmān Ibn Ali, *Zād al-Masir fi 'Elm al-Tafsir*, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabi, 1422 A.H.
- Ibn Jozay, Mohammad Ibn Ahmad, *al-Tashil le-'Oloum al-Tanzil*, Beirut: Dār al-Arqam Ibn Abi al-Arqam, 1416 A.H.
- Ibn Kathir, Ismā'il Ibn 'Omar, *Tafsir al-Qur'ān al-'Azim (Ibn Kathir)*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1419 A.H.
- Ishkevari, Mohammad Ibn 'Ali, *Tafsir-e Sharif-e Lāhiji*, Tehran: Nashr-e Dād, 1373 S.H.
- Ja'fari, Ya'qoub, *Tafsir-e Kowsar*, Qom: Hejrat Publication. 1376 S.H.
- Jamal, Solaymān Ibn 'Omar, *al-Fotouhāt al-Ilāhiyah be-Towzih Tafsir al-Jalālin lel-Daqā'eq al-Khafiyyah*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1427 A.H.
- Jorjāni, Hosayn Ibn Hasan, *Jalā' al-Azhān va Jalā' al-Ahzān (Tafsir-e Gāzor)*, Tehran: Tehran University, 1378 A.H.
- Khafāji, Ahmad Ibn Muhammad, **Hāshiyah al-Shahāb al-Mesmah 'Anāyah al-Qāzi va Kefāyah al-Rāzi 'alā Tafsir al-Bayzāwi**, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1417 A.H.
- Khatib, 'Abd al-Karim, *al-Tafsir al-Qur'āni lel-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Fekr al-'Arabi, 1424 A.H.
- Khāzen, 'Ali Ibn Mohammad, *Tafsir al-Khāzen al-Mosammā le-Bāb al-Ta'wil fi Ma'āni al-Tanzil*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1415 A.H.
- Makārem Shirāzi, Nāser, *Tafsir-e Nemouneh*, Tehran: Dār al-Kotob al-Islāmiyah, 1371 S.H.
- Mātoridi, Mohammad Ibn Mohammad, *Ta'wilāt Ahl al-Sonnah (Tafsir al-Mātoridi)*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1426 A.H.
- Meybodi, Ahmad Ibn Mohammad, *Kashf al-Asrār va 'Oddat al-Abrār*, Tehran: Amir Kabir, 1371 S.H.
- Meydāni, 'Abd al-Rahmān Hasan Habankah, *Ma'ārej al-Tafakkor va Daqā'eq al-Tadabbor*, Damascus: Dār al-Qalam, 1361 S.H.
- Modarresi, Mohammad Taqi, *Man Hadā al-Qur'ān*, Tehran: Dār Mohebbi al-Hosayn, 1419 A.H.
- Moqātel Ibn Solaymān, *Tafsir Moqātel Ibn Solaymān*, Beirut: Dār 'Ehyā' al-Torāth al-'Arabi, 1423 A.H.
- Nahāvandi, Mohammad, *Nafahāt al-Rahmān fi Tafsir al-Qur'ān*, Qom: al-Be'thah Institute, Markaz al-Tebā'ah va al-Nashr, 1386 S.H.
- Neyshābouri, Mahmoud Ibn Abou al-Hasan, *Ijāz al-Bayān 'an Ma'āni al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Gharb al-Islāmi, 1415 A.H.
- Nezām al-A'raj, Hasan Ibn Mohammad, *Tafsir Gharā'eb va Raghā'eb al-Forqān*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1416 A.H.
- Qarshi Bonābi, 'Ali Akbar, *Tafsir Ahsan al-Hadith*, Tehran: Markaz-e Chāp va Nashr, 1375 S.H.
- Qomi Mashhadi, Mohammad, *Tafsir Kanz al-Daqā'eq va Bahr al-Gharā'eb*, Tehran: Ministry of Islamic Culture and Guidance, Sāzmān-e Chāp va Nashr, 1368 S.H.
- Qomi, 'Ali Ibn Ibrāhim, *Tafsir al-Qomi*, Qom: Dār al-Ketāb, 1363 S.H.
- Qoshayri, 'Abd al-Karim Ibn Havāzen, *Latā'ef al-Ishārāt: Tafsir Soufi Kāmel lel-Qur'ān al-Karim*, Cairo: lel-Ketāb, 2000.
- Qotb, Seyyed, *Fi Zelāl al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Shorouq, 1425 A.H.

- Rezā, Mohammad Rashid, *Tafsir al-Qur'ān al-Hakim al-Shahir be-Tafsir al-Manār*, Beirut: Dār al-Ma'refah, 1414 A.H.
- Rouzbehān Baqli, Rouzbehān Ibn Abi Nasr, *'Arā'es al-Bayān fī Haqā'eq al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 2008.
- Sādeqi Tehrāni, Mohammad, *al-Balāgh fī Tafsir al-Qur'ān bel-Qur'ān*, Qom: Maktabah Mohammad al-Sādeqi al-Tehrāni. 1419 A.H.
- Samarqandi, Nasr Ibn Mohammad, *Tafsir al-Samarqandi al-Mosammā Bahr al-'Oloum*, Beirut: Dār al-Fekr, 1416 A.H.
- Samīn, Ahmad Ibn Yousof, *al-Dorr al-Masoun fī 'Oloum al-Ketāb al-Maknoun*, Beirut: Dār al-ketāb al-'Elmiyah, 1414 A.H.
- Sāvi, Ahmad Ibn Mohammad, *Hāshiyah al-Sāvi 'alā Tafsir al-Jalālin*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1427 A.H.
- Sha'rāvi, Mohammad Motevalli, *Tafsir al-She'rāvi, Akhbār al-rāvi, Akhbār al-Yawm*, Beirut: al-Kotob va al-Moktabāt. 1991.
- Shāh 'Abd al-'Azimi, Hosayn, *Tafsir Athnā 'Ashari*, Tehran: Miqāt, 1363 S.H.
- She'rāni, Abou al-Hasan, *Rouh al-Jenān va Menhaj al-Sādeqin*, Qom: Boustān-e Ketāb, 1386 S.H.
- Sheber, 'Abdollah, *Tafsir al-Qur'ān al-Karim (Sheber)*, Qom: Dār al-Hejrah, 1410 A.H.
- Shoukāni, Mohammad, *Fath al-Qadir*, Damascus: Dār Ibn Kathir, 1414 A.H.
- Soltān 'Ali Shāh, Soltān Mohammad Ibn Heydar, *Bayān al-Sa'ādah fī Maqāmāt al-'Ebādah*, Beirut: lel-Matbou'āt, 1408 A.H.
- Soyouti, 'Abd al-Rahmān Ibn Abi Bakr, *al-Dorr al-Manthour fī al-Tafsir bel-Ma'thour*, Qom: Public Library of Āyatollāh Mar'ashi Najafi, 1404 A.H.
- Tabari, Mohammad Ibn Jarir, *Jāme' al-Bayān fī Tafsir al-Qur'ān (Tafsir al-Tabari)*, Beirut: Dar al-Ma'refah, 1412 A.H.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan, *Majma' al-Bayān fī Tafsir al-Qur'ān*, Tehran: Nāser Khosrow, 1372 S.H.
- Tabātabā'i, Mohammad Hosayn, *al-Mizān fī Tafsir al-Qur'ān*, Beirut: lel-Matbou'āt, 1390 A.H.
- Tayyeb, 'Abd al-Hosayn, *Atyab al-Bayān fī Tafsir al-Qur'ān*, Tehran: Islām, 1369 S.H.
- Testari, Sahl Ibn 'Abdollah, *Tafsir al-Testari*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1423 A.H.
- Thaqafi Tehrāni, Mohammad, *Ravān-e Jāvid dar Tafsir-e Qur'ān-e Majid*, Tehran: Borhān, 1398 A.H.
- Toufi, Solaymān Ibn 'Abd al-Qavi, *al-Ishārāt al-Ilāhiyah elā al-Mabāheth al-Osouliyah*, Beirut: Dār al-Kotob al-'Elmiyah, 1426 A.H.
- Yazidi, 'Abdollah Ibn Yayyā, *Gharib al-Qur'ān va Tafsirah*, Beirut: 'Ālam al-Kotob, 1405 A.H.
- Zamakhshari, Mahmoud Ibn 'Omar, *al-Kashshāf 'an Haqā'eq Ghawāmez al-Tanzil va 'Oyoun al-Aqāwil fī Vojouh al-Ta'wil*, Beirut: Dār al-Ketāb al-'Arabi, 1407 A.H.
- Zohayli, Vahbah, *al-Tafsir al-Vasit (Zohayli)*, Damascus: Dār al-Fekr, 1422 A.H.



فهرست مقالات

- ۹..... بررسی تطبیقی رویکرد وثاقت خبری و وثاقت مخبری به احادیث اهل بیت (ع) و نقش آن در تفسیر قرآن کریم
علی عبدالله زاده | مهدی ایزدی
- ۳۳..... بررسی فضای نزول آیه وارثان زمین با تکیه بر تفاسیر فریقین
فاطمه باباعلی | محمد مهدی تقدیسی | جعفر نکونام
- ۶۱... بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سورة شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) ..
علی محمدی آشنانی | اکرم ناطق | حسین علوی مهر
- ۸۵..... تفسیر تطبیقی آیه ۱۵۹ سورة نساء و ارتباط آن با نزول حضرت عیسی (ع)
سعید توسلی خواه | دکتر ابراهیم ایزدخواه
- ۱۰۱..... نظریه پردازی تطبیقی درباره عصمت پیامبر اکرم (ص) از نائیرگذاری بر وحی
دکتر مصطفی کریمی | صدیقه پروان
- ۱۲۹..... تحلیل انتقادی دیدگاه علامه طباطبایی و آیت الله معرفت درباره بطن قرآن کریم
دکتر مهیار خانی مقدم | دکتر سیده سعیده غروی
- ۱۶۱..... بازخوانی آیه *وَلَا تَقْلُوبُوا يٰۤاٰیْدِيْكُمْ اِلٰی التَّهْلُكَةِ* با رویکرد پیوستگی و استقلال آیات
محمد بهرامی
- ۱۸۱..... گستره معرفتی قرآن کریم از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی
سلیمان خاکبان
- ۲۰۷..... بررسی و تحلیل تفسیری داستان سلیمان (ع) و ملکه سبا در نگاه قرآن کریم و تطبیق آن با عهد قدیم
سید حسین حسینی بجدنی | مهدی مهریزی طرقي | سید محمد باقر حجتی | عنایت شریفی
- ۲۳۳..... بررسی قرآنی دیدگاه فمینیست های مسلمان و فمینیست های غربی در فرزندآوری
زینب شمس | طلعت حسنی
- ۲۶۹..... بررسی تطبیقی آراء مفسران در تفسیر «هٰذَا رَجِي» در آیات ۷۶ تا ۷۹ سورة انعام با تکیه بر ارتباط آیات
محمد حسین برومند | امیر جودوی | سامیه شهبازی
- ۲۹۷..... تحلیل تطبیقی عملکرد تفسیری فخر رازی و آلوسی در مساله جسم انگاری خداوند
محمد بزرگزاده | حسین خاکپور | ابراهیم نوری
- ۳۲۳..... بررسی و نقد دیدگاه مفسران درباره آیه ۱۲۰ سورة انعام (تحلیلی از ظاهر و باطن ائم)
رضا مهدیانفر | سید محمود طیب حسینی

